

تحرك اجتماعي درون نسلي در يك جامعه در حال گذار

سيدكمال الدين موسوي^۱؛ مهديه كاظميان^۲

تاريخ دريافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ تاريخ پذيرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی تحرك اجتماعي درون نسلي در شهر كاشان به عنوان يك جامعه در حال گذار می‌پردازد. شناخت میزان تحرك، عوامل مؤثر بر آن و راهبردهای مورد استفاده در این فرآیند، هدف اصلی پژوهش بوده است. نظریه‌های گیدنز، مك كليند و بوردیو، پایه نظری اصلی این پژوهش را تشكيل می‌دهند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۲۵ تا ۶۴ ساله كاشان می‌باشد که از بین آنها ۳۸۵ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان تحرك بین نسلي تقریباً معادل ۴۰ درصد است و اکثریت افراد، به طور عمده، یک درجه تحرك را تجربه کرده‌اند. متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و عدم اعتقاد به شانس و اقبال، نقش مؤثری در تحرك رو به بالا و درون نسلي پاسخ دهندگان داشته است. جامعه مورد مطالعه به طور عمده، از راهبردهای اقتصادی و آموزشی به منظور پیشرفت و ارتقاء درون نسلي بهره برده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحرك درون نسلي؛ عوامل تحرك؛ ارتقاء اجتماعي؛ استراتژی‌های تحرك.

^۱ . استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه كاشان، كاشان، ایران (نویسنده مسؤول). okna8062@yahoo.com

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعي، دانشگاه كاشان، كاشان، ایران. mahdiehkazmian79@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

نظریه‌پردازی پیرامون تحرک اجتماعی، با سوروکین^۱ جامعه‌شناس روسی در نیمه‌ی اول قرن بیستم آغاز شد، اما مطالعات تجربی در این زمینه، دهه‌ها بعد، توسط جامعه‌شناسان صورت گرفت و همچنان تا به امروز ادامه دارد. در این مسیر، همواره "موقعیت شغلی" به عنوان شاخص سنجش تحرک اجتماعی مورد نظر بوده است، زیرا موقعیت شغلی، ابعاد مهمی از زندگی انسان‌ها مانند درآمد، منزلت اجتماعی و سبک زندگی و جایگاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحرک اجتماعی، جنبه‌های پویا، سیال و انعطاف‌پذیر زندگی را در جامعه نشان داده است و ناظر بر باز یا بسته بودن یک جامعه از لحاظ امکان پیشرفت و ترقی برای اعضای خود می‌باشد. شاید مطالعه تحرک اجتماعی در جوامع ایستا و بدون تغییر که ریتم زندگی در آنها مدت‌ها یکسان و مشابه باقی است، چندان مهم نباشد، اما در جوامعی که در حال تغییر و پوست‌اندازی هستند، این نوع مطالعات هم مهم و هم ضروری است. در ایران، یکی از شهرهایی که در این سال‌ها مختصات آن دستخوش دگرگونی است و فرایند گذار را در آن با چشمان غیر مسلح نیز می‌توان دید، شهر کاشان است. شهری با نرخ رشدی معادل ۱۲/۷ طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵ که پذیرای طیف متنوعی از جمعیت دیگر شهرهای کشور است (شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶: ۵۸).

بافت‌های قدیمی شهر، در حال فرسودگی، خانه‌های پدری در حال خالی و متروکه شدن و نسل‌های جدید ضمن استقرار در نواحی جدید و نوساز، به تدریج در حال فاصله گرفتن از عادات، سنن، فرهنگ و حتی مشاغل آباء و اجدادی هستند. ارزش‌ها و اولویت‌های نسل جدید نیز نسبت به نسل گذشته در حال تغییر است و این فاصله گرفتن ارزشی، هنجاری و ترجیحی نسل‌ها در کشور که تاکنون مورد اشاره پژوهش‌های متعددی بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲، پناهی، ۱۳۸۳، توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵)، پدیده‌ای غیر طبیعی نیست، بلکه یک ضرورت تاریخی و ناشی از تکاثر تدریجی اطلاعات و افزایش قدرت ذخیره‌سازی اطلاعات و دانش در انسان-هاست (عبداللهیان، ۱۳۸۲).

در شهر کاشان، تا مدتی قبل، زنان و دختران به قالی بافی، گلابگیری و صنایع دستی مشغول بودند، اما امروزه به طور عمده، به مشاغل اداری، خدماتی و فرهنگی روی می‌آورند. تعطیلی کارخانجات بزرگ و پر رونق پارچه بافی، نخ ریزی و مخمل بافی در سال‌های پس از انقلاب ۵۷، باعث رونق مشاغل جدیدی شده است و نسل جدید، در حال ورود به مشاغل تخصصی،

^۱ . Sorokin, P.

فني، خريد و فروش و تجارت انواع کالاها است. دگرگوني فضاي اجتماعي اين شهر در حوزه- هاي متنوع اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و تكنولوجيک، آنقدر گسترده شده است که تحولات هر حوزه پژوهش مستقل و نوشتار جداگانه‌اي را مي‌طلبد. در اين ميان، پژوهش حاضر مطالعه تحرك اجتماعي درون نسلي را مورد توجه خود قرار داده است و در جستجوي آن است که بداند شهروندان کاشاني در طول زندگي چقدر تحرك اجتماعي، به ويژه پيشرفت داشته‌اند؟ از چه استراتژي‌هايي براي پيشرفت استفاده کرده‌اند، و به طور عمده، چه عواملی بر پيشرفت و ارتقاء آنها اثر گذار بوده است؟ در راستای تأمين اهداف مورد نظر، سؤالات و فرضياتي به شرح زیر در دستور کار پژوهش قرار دارد.

- ميزان تحرك اجتماعي درون نسلي در شهروندان شهر کاشان چقدر است؟
- شهروندان از چه استراتژي‌هايي براي ارتقاء و پيشرفت استفاده مي‌کنند؟
- بين متغيرهاي زمينه‌اي و ارتقاء درون نسلي، رابطه وجود دارد.
- بين عوامل انگيزشي و ارتقاء درون نسلي رابطه وجود دارد.
- بين عوامل فرهنگي و ارتقاء درون نسلي، رابطه وجود دارد.

پيشينه پژوهش

درباره تحرك اجتماعي، تحقيقاتي به طور منظم از دهه پنجاه هجري شمسي در ايران آغاز شده است. به عنوان نمونه، در پژوهشي که در زمينه تحرك اجتماعي احمد اشرف و علي بنوعزيزي در سال ۱۳۵۶ در بين ۱۸۰۰ مرد سرپرست خانوار در تهران و شيراز انجام دادند، معلوم شد بخش مهمي از کارگران که در دوره پهلوي اول و دوم زندگي مي‌کردند، از مشاغل بخش کشاورزي به صنعت و تعداد کمتری نیز از کشاورزي و صنعت به بخش خدمات تغيير شغل داده بودند. در بين کارگران توليدي، ۱۸٪ تحرك نزولي و ۳۴٪ تحرك صعودي ملاحظه شد، اما کارکنان دفتری ۲۶٪ تحرك نزولي و ۳۴٪ تحرك صعودي را تجربه کردند. در طبقه متوسط سستی يا کسبه و پيشه‌وران نیز ۳۴ درصد تحرك نزولي و ۳۸٪ تحرك صعودي ديده شد. در کارگران خدماتي سطح پايين، تنها ۳ درصد تحرك نزولي، اما ۸۷٪ تحرك صعودي رخ داده بود و در صاحبان مشاغل حرفه‌اي سطح بالا، ۶۴٪ تحرك نزولي و ۱۸٪ تحرك صعودي به چشم مي‌خورد (اشرف و بنوعزيزي، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در پژوهشي ديگر، مقدس (۱۳۷۴) با بهره‌گيري از يك نمونه ۲۲۰۰ نفری شاغلين در دو شهر شيراز و ياسوج دريافت که در شيراز تحرك صعودي و در

یاسوج تحرک افقی شایع‌تر است. همچنین، در شیراز، زنان برای تحرک بیش از مردان متکی به تحصیلات خود و همسرانشان هستند. شهلا کاظمی پور (۱۳۷۸) نیز با مطالعه در بین ۱۵۰۰ نفر از ساکنان مناطق مختلف شهر تهران متوجه شد، عوامل عمده تحرک اجتماعی در تهران را خاستگاه جغرافیایی، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی خود فرد و پدر او تشکیل می‌دهد. در دهه ۸۰ سفیری و ایمانی (۱۳۸۵) طی پژوهشی دریافتند دختران و زنان تهرانی ارتقاء داشتند و در مسیر ارتقاء و پیشرفت آن‌ها، درآمد والدین، تحصیلات و سن ازدواج پاسخگویان نقش داشته است. در آغاز دهه ۹۰ شمسی، پژوهش زارع و لطفی (۱۳۹۲) در کرمانشاه نشان داد حدود ۱۹٪ افراد مورد بررسی، تحرک صعودی، ۲۶٪ تحرک افقی و تقریباً ۳۰٪ تحرک نزولی را تجربه کرده‌اند و عواملی مانند سرمایه اجتماعی خانواده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات فرد در ارتقاء آنها نقش داشته‌اند. در اواسط دهه ۹۰ شمسی، پژوهش غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) در شهر گرگان نشان داد عواملی چون جنسیت، سطح آموزش بالا، مدارک تحصیلی و شغلی و مهارت‌های علمی و آموزشی (سرمایه فرهنگی) افراد را به جایگاه اجتماعی بالاتر سوق می‌دهد. امینی خو و همکاران (۱۳۹۶) نیز پژوهشی با عنوان "میزان تحرک اجتماعی مهاجرین روستا- شهری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی: مورد مطالعه مهاجرین شهرهای یاسوج و مادوان" انجام داده‌اند و دریافتند تحرک اجتماعی با سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و سن، دارای رابطه معنادار است و این متغیرها ۲۶/۱ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی مهاجرین روستا به شهر به ویژه، مهاجرین جوان را تبیین می‌کنند.

در یک جمع‌بندی کوتاه، پژوهش‌های داخل کشور که غالباً در پایتخت یا مراکز استان‌ها صورت گرفته است، به طور عمده، به نقش عواملی مانند تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، جنسیت، درآمد والدین و سن در تحرک اجتماعی درون نسلی اشاره داشته‌اند. در همین حال، با نگاهی نسبتاً جامع‌تر، پژوهش حاضر از یک سو میزان تحرک درون‌نسلی و برخی عوامل مؤثر بر آن و از سوی دیگر، استراتژی‌های مورد استفاده توسط شهروندان را برای پیشرفت و ارتقاء در یک محیط سنتی اما در حال گذار مانند کاشان مطالعه می‌کند، زیرا به نظر می‌رسد کنکاش در این زمینه، به ویژه در شهرهای کوچک کشور، کمتر مورد توجه محققان بوده است.

در کنار پژوهش‌ها، ادبیات جامعه‌شناختی نیز در بردارنده نظریات متنوعی جهت تبیین تحرک اجتماعی است که در این قسمت مروری بر آنها خواهد شد.

مبانی نظری چهارچوب نظری

در بین کلاسیک‌های جامعه‌شناسی، اسپنسر جامعه صنعتی را یک جامعه باز می‌دانست که در آن مسیر تحرك و پیشرفت برای افراد گشوده است و میل انسان‌ها برای ارتقاء، بیشتر از جوامع غیر صنعتی است. اما در جوامع سنتی، میل انسان‌ها به ثبات بیش از تغییر است و از این رو، به جای تحرك اجتماعی، فرایندهای حفظ موقعیت و بازتولید اجتماعی در این جوامع، پررنگ‌تر و نیرومندتر است. چنین چشم‌اندازی، مطالعه درباره غلبه گرایش به تحرك یا عدم تحرك را در جامعه‌ای در حال گذار مانند کاشان جالب توجه می‌سازد. کارل مارکس، با توجه به شرایط انتقالی جوامع در اروپای قرن ۱۹، دو تحرك بزرگ اجتماعی و کاملاً متضاد را در کانون توجه خود قرار داده بود: از یک سو تحرك نزولی کارگران تولیدی و کشاورزان که در ساختار نظام صنعتی سرمایه‌داری پیوسته به اقشار ضعیف و خرده پا تبدیل می‌شدند، از سوی دیگر، تحرك صعودی طبقات بورژوا و تسلط آن‌ها بر تمامی ارکان جامعه، که هردوی این جریان‌ها ناشی از تغییرات ساختاری آن دوران بوده است و قابلیت‌های فردی در آن‌ها نقش اندکی داشته است (مارکس، ۱۳۵۷: ۶۴۸)، مارکس این دو تحرك را به یکدیگر وابسته می‌دانست یعنی هرگونه تحرك صعودی در یکی، تحرك نزولی در دیگری را به همراه خواهد داشت. به لحاظ پیامدی نیز مارکس عقیده داشت تحرك اجتماعی هویت طبقاتی و میزان وفاداری به آن را در افراد تضعیف می‌کند زیرا برای افرادی که در مسیر تحرك اجتماعی‌اند مشکل است از همان آگاهی طبقاتی نیرومندی که دیگر اعضای طبقه از آن بهره‌مندند برخوردار باشند و در نتیجه آگاهی طبقاتی در آنها کاهش می‌یابد (آرون، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

باتامور^۱، نیز ضمن تحلیل ساختاری از موضوع، تحول در ساختار مشاغل موجود به واسطه توسعه فرایند صنعتی شدن را عامل افزایش تحرك اجتماعی قلمداد می‌کند، زیرا توسعه صنعتی همراه با بهبود وضع آموزش عمومی، امکان بی سابقه‌ای را برای افراد در جوامع صنعتی فراهم ساخته است، شکاف طبقاتی را کاهش داده است و بر نگرش‌ها و نظرات مساوات طلبانه در جامعه می‌افزاید. اما در جوامع در حال توسعه، وضعیت متفاوت است، زیرا طبقه متوسط به ویژه کارگزاران دولتی و طبقه روشنفکر، نقش عمده‌ای در تحرك اجتماعی دارند. قشر روشنفکر در جوامع در حال توسعه، منسجم‌تر از روشنفکران در جوامع صنعتی است و ظرفیت اثرگذاری

^۱ . Bottomore, T.

اجتماعی بالاتری دارد. کارگزاران دولتی نیز از آنجا که مسئولیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های وسیع اقتصادی و اجتماعی را در دست دارند، نقش مهمی در تحرک اجتماعی ایفا می‌کنند.

سوروکین^۱، نقش حوادث و رویدادهای تاریخی را به عنوان عاملی موثر بر تحرک اجتماعی - به ویژه تحرک گروهی و جمعی - برجسته کرده است. به عنوان نمونه، در فرایند یک انقلاب، همواره تحولات سریع و عمیقی ایجاد می‌شود؛ اعضای قشر یا گروه حاکم از حکومت خلع می‌شوند و گروه یا قشر دیگری جایگزین آن می‌گردد؛ در فرهنگ و عقاید و ارزش‌های جامعه تغییراتی حاصل می‌شود، برخی الگوهای رفتاری، طرز تلقی‌ها و... تغییر می‌کند و باعث می‌شود تا جهت‌گیری فعالیت‌ها عوض شود؛ عده‌ای به مواضع قدرت دست پیدا کنند، عده‌ای ثروتمند شوند و عده‌ای هم با ایفای نقش انقلابی و ایدئولوژیک از منزلت و اعتبار اجتماعی بالاتر برخوردار گردند، یا در زمان وقوع جنگ، به اقتضای شرایط جنگی و نظام سیاسی تمرکزگرا تر شوند و غالباً محدودیت‌هایی برای آزادی فراهم می‌شود. وضعیت جنگی، به لحاظ اقتصادی ممکن است در برخی زمینه‌ها تحرک اجتماعی را افزایش دهد، ولی در برخی زمینه‌ها تحرک را کاهش دهد (خدابنده لو، ۱۳۷۲: ۶۲). سوروکین در هر دوره تاریخی بر یک یا چند نهاد اجتماعی که وسایل تحرک را فراهم می‌کنند، تأکید دارد. این نهادها (خانواده، کلیسا، مدرسه، ارتش، دولت، بازار و...) نقش ارزیاب اجتماعی را ایفا می‌کنند، افراد را بر حسب لیاقت و استعدادشان انتخاب می‌کنند و آن‌ها را در جایگاه و موقعیت‌های مختلف توزیع می‌کنند (جبلی بخت آرا، ۱۳۸۷: ۴۷).

در بین معاصران جامعه‌شناسی، پی‌یر بوردیو هم به ساختار و زمینه اجتماعی و هم به کنش و نگرش افراد توجه دارد. از این منظر، تحرک اجتماعی از یک‌سو متأثر از زمینه خانوادگی است و خانواده در شکل دادن به شخصیت، منش، خلق و خو، ارزش‌ها، هنجارها و گرایش‌های افراد به ویژه در حوزه کار و شغل مؤثر است. از سوی دیگر، تحرک اجتماعی تحت تأثیر عادات، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فردی است که آن‌ها نیز در پیوند با شرایط، زمینه‌ها و فرایندهای اجتماعی شدن قرار دارند. در حقیقت، فرهنگ و ارزش‌ها و... در اندیشه بوردیو با زمینه‌های ساختاری، طبقاتی و خانوادگی گره خورده‌اند (نایبی، ۱۳۹۰: ۱۰). علاوه بر این، بوردیو توزیع نامتوازن منابع قدرت، ثروت و سرمایه‌های در اختیار افراد در عرصه‌های مختلف را نیز به عنوان یک عامل ساختاری تلقی می‌کند (توکل، قاضی نژاد، ۱۳۸۵) که ضمن ایجاد فاصله‌های ارزشی و هنجاری

^۱ . Sorokin, P.

بين نسل‌ها (پناهی، ۱۳۸۳) می‌تواند امکان تحرك اجتماعي را برای برخی نسل‌ها دشوارتر از بقیه بنماید.

در همین رابطه، موانع و مشکلاتی که بر سر راه تحرك اجتماعي وجود دارند نیز از نگاه جامعه‌شناسان دور نمانده است و به روشنی به برخی مکانیزم‌های مسدود کننده مسیر پیشرفت و ارتقاء انسان‌ها پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، پارکین^۱، مسأله انسداد اجتماعي را در ممانعت از تحرك گروه‌هایی از جامعه توسط گروه‌های دیگر مطرح کرده است. آنتونی گیدنز^۲ و ساندرام^۳ نیز بر تأثیر جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی بر روی امکان تحرك اجتماعي به ویژه برای زنان تأکید کرده‌اند. گیدنز ضمن پذیرش واقعیت حضورگسترده زنان در مدارس عالی و دانشگاه‌ها، به وجود موانع متعدد در مسیر تحرك آنان اشاره می‌کند و این موانع را همچون یک سقف شیشه‌ای می‌داند که مانع ارتقاء شغلی و سازمانی زنان به ویژه در پست‌های مدیریتی می‌شوند. برخوردهای تبعیض‌آمیز مدیران و کارفرمایان با زنان شاغل و پیشداوری‌های منفی بسیاری از مدیران در اینکه زن‌ها با تشکیل خانواده شغل خود را رها می‌کنند و چون باید بین کار و فرزندپروری، در نهایت یکی را انتخاب کنند، نمی‌توان روی مسؤولیت‌پذیری حرفه‌ای آنان حساب باز کرد، از جمله موانعی است که به نظر گیدنز مسیر تحرك اجتماعي زنان را دشوار می‌سازد (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۴۱).

برخی نظرات به طور عمده، روی انگیزه درونی انسان‌ها برای تحرك و پیشرفت تمرکز کرده‌اند. گی روشه^۴ و دیوید مک کله لنده انگیزه موفقیت و نیاز به موفقیت در افراد را عامل تحرك اجتماعي بر می‌شمارند و تأکید می‌کنند کسانی که انگیزه موفقیت بیشتری دارند، گرایش شدیدتری به پیشرفت و تحرك اجتماعي نیز داشته‌اند. البته، چنین انگیزه‌ای در تمامی افراد و طبقات یکسان نیست و علت آن را می‌باید در شرایط و وضعیت‌های اجتماعي جستجو کرد، زیرا باعث تولید درجات متفاوتی از انگیزه موفقیت و نیاز به موفقیت در افراد می‌شود (منقبتی، ۱۳۸۷: ۲۵). نقطه مقابل انگیزه موفقیت را در نظریات اورت راجرز^۵ پیرامون تقدیر گرایی و نقش آن در جلوگیری از تحرك اجتماعي به ویژه در جوامع سنتی و روستایی می‌توان ملاحظه کرد. به عقیده راجرز، در جامعه‌ای که تقدیر گرایی و رضایت به سرنوشت رواج دارد، توسعه رخ نمی‌دهد و تحرك و پیشرفت نیز اندک است. گرایش عمومی در چنین جوامعی، رو به سوی ثبات و بازتولید

۱. Parkin, F.

۲. Giddenz, A.

۳. Bem, S.

۴. Rocher, G.

۵. Mc-Clelland, D.

۶. Rogers, E.

اجتماعی دارد و اقشار و طبقات جامعه خود را در نسل‌های بعدی باز تولید می‌کنند (شمس‌الدینی، ۱۳۹۵: ۳۴).

به این ترتیب، نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز هرکدام از زاویه‌های مختلفی به تحرک اجتماعی، عوامل و موانع مؤثر بر آن و استراتژی‌هایی که برای تحقق آن به کار گرفته می‌شود، نگرسته‌اند و پژوهش حاضر از این رویکردها در ساخت متغیرها، شاخص‌ها و تنظیم فرضیات پژوهش استفاده کرده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پیمایش اجتماعی است و جامعه آماری پژوهش را شهروندان شاغل ۲۵ تا ۶۴ ساله با جمعیت ۹۳۸۲۶ نفر تشکیل می‌دهند که طبق آمار منتشر شده تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵ در محدوده قانونی شهر کاشان زندگی می‌کردند. با بهره‌گیری از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان جمعیت نمونه، تعیین شدند و برای جبران پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد ۱۵ پرسشنامه اضافه در نظر گرفتیم، اما در نهایت ۳۸۵ پرسشنامه مطلوب جمع‌آوری شد و حجم نهایی نمونه را تشکیل داد. شیوه نمونه‌گیری پژوهش، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و در این راستا، ابتدا با در نظر گرفتن مناطق و نواحی پنجگانه شهر کاشان براساس آمارهای سال ۱۳۹۵ به نسبت جمعیت هر یک از مناطق ۵ گانه، تعداد نمونه‌های لازم در هر منطقه مشخص شد. سپس، به تصادف از هر یک از مناطق ۵ گانه، یک ناحیه به قید قرعه انتخاب شدند و در نهایت در هر یک از ناحیه‌های برگزیده، دو یا سه خیابان از مجموعه خیابان‌های آن ناحیه به تصادف انتخاب شدند و در محدوده آن خیابان‌ها پرسشگری صورت گرفت. مناطق و نواحی برگزیده در جدول یک منعکس شده‌اند.

جدول شماره یک- مناطق، نواحی و خیابان‌های برگزیده و تعداد نمونه‌های مربوطه

مناطق شهری	ناحیه انتخابی	خیابان‌های انتخابی	تعداد پرسشنامه
منطقه ۱ ۳۰۳۲۴ نفر	ناحیه ۱	خیابان رجایی از چهارراه کاشانی تا سه راه میدان میدان فیض، خیابان باب الحوائج، کوچه مخابرات	۴۵
منطقه ۲ ۸۱۲۲۳ نفر	ناحیه ۳	خیابان شاهد و زیارتی (فرعی‌های محمدی، حسینی، تربیت، رحمانی، کوچه مسجد نور) خیابان کارگر از میدان اکسپو تا پل راه آهن	۱۲۱

منطقه ۳	ناحیه ۳	یک طرف خیابان راه آهن تا بلوار ساحلی (فرعی رسالت، داروغه، رضاییان، کوچه روحی) خیابان نظنز (فرعی صاحب الزمان، حسین پور، کوچه های معراج)	۱۱۷
منطقه ۴	ناحیه ۱	فاز ۱ ناجی آباد، شهرک امیرالمومنین	۷۱
منطقه ۵	نواحی ۳ و ۴	راوند (شهرک آزادگان، شهرک کارخانه راوند، محله سادات) بلوار دانش میدان صنعت، کوچه خندان، بلوار قطب راوندی	۴۶

جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، دو پرسشنامه محقق ساخته طراحی و تنظیم گردید. پرسشنامه نخست، به منظور سنجش "منزلت شغلی" مرکب از ۹۹ عنوان شغلی رایج در کاشان در ابتدای کار تنظیم شد و پس از مشاوره با ۱۲ نفر از کارشناسان و افراد خبره، اصلاحاتی در آن انجام شد و به صورت نهایی درآمد و اعتبار آن نیز صورتی بوده است. پرسشنامه دوم جهت سنجش "تحرك اجتماعي" شامل ۳۲ گویه مرکب از ۱۱ سؤال باز و ۲۱ سؤال بسته و دارای اعتبار سازه می باشد. پایایی خرده مقیاس های اصلی پژوهش از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که آلفای عوامل انگیزشی ۰/۵۲ و عوامل فرهنگی ۰/۶۰ بوده است. لازم به ذکر است اگرچه ضریب آلفا در خرده مقیاس های پژوهش، ضعیف و پایین است، ولی با توجه به اینکه نگرش سنجی عمده ترین هدف این پژوهش را تشکیل می دهد، این مسأله مانع انجام پژوهش نشده است. به نظر برخی روش شناسان، در مورد مقیاس های نگرش سنجی، ضریب آلفا تا ۰/۴۷ کم، ۰/۴۷ تا ۰/۷۹ متوسط و ۰/۸۰ تا ۰/۹۸ زیاد تلقی می شود. هنگامی که آزمونی برای تصمیم گیری های مهم به کار می رود، باید خطای اندازه گیری به حداقل ممکن کاهش یابد و ضریب آلفا باید بیش از ۰/۹۵ باشد (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

تعریف متغیرهای پژوهش

جایگاه و منزلت شغلی

منزلت شغلی، به جایگاه مشاغل در سلسله مراتب قشر بندی در جامعه اشاره دارد و روش های متعددی جهت تعیین آن وجود دارد که عبارتند از روش های عینی، ذهنی و اشتهازی (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۹۰). برای سنجش منزلت مشاغل، در این پژوهش ابتدا به مجموعه مقالات کاشان شناسی پیرامون مشاغل که طی دهه های اخیر در کاشان رواج داشته است، مراجعه شد و فهرستی از مشاغل استخراج شد و ضمن مشاوره با برخی صاحب نظران، فهرست مربوطه اصلاح

شد و در نهایت ۹۹ عنوان شغلی در لیست نهایی تنظیم شد و در اسفند ۱۴۰۲ به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای در اختیار یکصد نفر از مردم قرار گرفت تا به جایگاه و منزلت هر شغل از صفر تا صد امتیاز بدهند. پس از گردآوری امتیازها و معدل‌گیری برای هر شغل، با توجه به فاصله بین حداقل (۳۳) و حداکثر (۶۹) نمرات، جایگاه و منزلت شغلی با الهام از مدل قشربندی وارنر و ستر^۱ (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۱۵۲-۱۴۰) به ۷ گروه طبقه‌بندی شد که از جایگاه بسیار بالا تا بسیار پایین را در برمی‌گیرد. در جدول شماره دو، جایگاه و منزلت گروه‌های شغلی به همراه میانگین نمره هر شغل منعکس شده است:

جدول شماره دو- جایگاه و منزلت مشاغل و میانگین نمرات هرکدام در شهر کاشان

جایگاه و منزلت شغلی	نام مشاغل و میانگین نمره هرکدام
بسیار بالا (۶۶-۷۰)	پزشک متخصص (۶۹)، دندانپزشک (۶۸)، خلبان، کارخانه دار فرش و گلیم و... (۶۶)،
بالا (۶۵-۶۰)	استاددانشگاه (۶۳)، تاجر بازار (۶۲)، پزشک عمومی، دبیر، مربی، آموزگار (۶۱)
متوسط رو بالا (۵۹-۵۴)	طلا و جواهر فروش (۵۹)، صاحب داروخانه، پرستار، ماما (۵۷)، وکیل (۵۶)، مدیر شرکت خصوصی، راننده قطار (۵۵)، برنامه نویس کامپیوتر (۵۴)،
متوسط (۵۳-۴۸)	رئیس شعبه بانک، مهندس راه و ساختمان، مهندس کشاورزی و معدن (۵۳)، مالک معدن سنگ، فرش فروش، کشاورز زمین‌دار، باغدار، قالی باف، شعراباف، زیلوباف، مکانیک ماشین و موتور، پلیس راهنمایی رانندگی، ارتشی، بهیار، مددکار، مشاور (۵۲)، هتل دار، قاضی، سرتیپ ارتش، دامپزشک، معمار، تراشکار، جوشکار، صافکار و نقاش ماشین (۵۱)، مدیر آزمایشگاه پزشکی، تولید کننده لباس و پوشاک، هنرمند خطاط، نقاش، تذهیب کار، نانوا، شیرینی پز، کارگر کشاورزی و گاوداری (۵۰)، مدیر مدرسه، دفتردار ثبت اسناد، صاحب گاوداری، مرغداری، صاحب چلوکبابی، رستوران، کله پزی، سبزی کار، جالیزکار، گندم کار، پاسدار، نیروی انتظامی

^۱ . Warner W. L., - Canter, D.

(۴۹)، صاحب چاپخانه و انتشارات، کارگردان تئاتر و سینما، تولید کننده مبل و لوازم چوبی، کارگر کارخانه و معدن (۴۸)،	
وزیر، شهردار، تکنیسین آزمایشگاه، مجری صدا و سیما، کتاب و لوازم التحریر فروش، سرکارگر کارخانه، تعمیرکار لوازم منزل، سنگ کار، کاشی کار، گچ کار، آهنگر، نجار، بنا، راننده کامیون و تریلی و اتوبوس، زنبوردار و تولید کننده عسل، تولید کننده گلاب و عرقیات، تولید کننده مواد غذایی - لبنی (۴۶)، فرماندار، معاون اداره و سازمان، خبرنگار و روزنامه نگار، بقال، مغازه دار، گل فروش (۴۵)، استاندار، سردار پاسدار، سردبیر روزنامه، پیمانکار شرکت ها، سلمانی و آرایشگر، فروشنده کامپیوتر و لوازم صوتی تصویری و...، طراح و مجری وب سایت، راننده تاکسی و اتوبوس شهری، لوله کش، برقکار، نقاش ساختمان، عطار، نگهبان (۴۴)، امام جمعه، کارمند دولت، تزییناتی (۴۳)، سفیر، مدیرکل نهادهای دولتی، بیمه گذار، تعمیر کار کیف و کفش،	متوسط رو به پایین (۴۷-۴۲)
نماینده مجلس، آشپز رستوران و فست فود، اغذیه و ساندویچ فروش، قصاب، نظافتچی، آبدارچی، باربر، چله دوان، رنگرز، سرجه پیم، مسگر، سفالگر، لحافدوز، پنبه زن، کارگر ساختمان، پمپ بنزین (۴۱)، مدیر آژانس مسافرتی (۳۹)، راهنمای گردشگری (۳۸)، روحانی، امام جماعت، صاحب بنگاه املاک (۳۷)	پایین (۴۱-۳۶)
تایپیست، منشی (۳۵)، حمامی (۳۳)،	بسیار پایین (۳۵-۳۰)

تحرك اجتماعي

تحرك اجتماعي، جابه جایی افراد در پایگاه ها و قشرهای مختلف نظام سلسله مراتبی جامعه است و شامل دو نوع تحرك میان نسلي و درون نسلي است (کوئن، ۱۳۷۰: ۲۶۲). در این پژوهش، مقایسه منزلت اولین شغل فرد با منزلت شغلی کاری که هم اکنون به آن اشتغال دارد، سنجش میزان تحرك درون نسلي را میسر می نماید. سطح سنجش تحرك اجتماعي درون نسلي، رتبه ای است و با توجه به طبقه بندی هفت گانه منزلت مشاغل در شهر کاشان، طبعاً سطوح تحرك اجتماعي از ۶- درجه تحرك نزولي تا ۶+ درجه تحرك صعودي را در بر گرفته است و عدد صفر در این بازه، نشان گر قطر جدول و مجموعه افراد بدون تحرك است.

عوامل انگیزشی

تحرك اجتماعى و پيشرفت انسان‌ها از يك‌سو حاصل شرايط و اوضاع بيرونى و از سوي ديگر تحت تأثير انگيزش‌هاى درونى و فردى است. در اين پژوهش، عوامل انگيزشى به كمك شاخص‌هاىي چون: عقيدة به سرنوشت مقدر، عقيدة به شانس و اقبال، عقيدة به همت و تلاش فردى و رضايت از وضع موجود خود مورد بررسى قرار گرفته است و سطح سنجش آن نيز فاصله‌اى مى‌باشد. حداقل نمره احتمالي پاسخگويان در عوامل انگيزشى معادل ۴ و حداكثر نمره ۱۸ مى‌باشد و در نتيجه حد متوسط يا ميانگين نظري اين مقياس نيز برابر با ۱۱ خواهد بود.

عوامل فرهنگى

عوامل فرهنگى، مجموعه‌اى از روابط، معلومات، اطلاعات و امتيازاتى است كه فرد براى به دست آوردن يا حفظ كردن يك موقعيت از آن استفاده مى‌كند (قديمى ۱۳۹۹)، به نقل از كاظميان ۱۴۰۳: ۶۶). در اين پژوهش، عوامل فرهنگى به كمك شاخص‌هاىي چون: تحصيلات، كيفيت تحصيل، آموزش‌هاى تخصصى مهارتى و عادات فرهنگى پاسخگويان مورد بررسى قرار گرفته است و سطح سنجش اين مقياس نيز فاصله‌اى است. حداقل نمره‌اى كه پاسخگويان ممكن است در مقياس مربوط به عوامل فرهنگى بگيرند، معادل ۴، حداكثر نمره ۲۳ و ميانگين نظري اين مقياس نيز برابر با ۱۳/۵ مى‌باشد.

استراتژى‌هاى تحرك و بازتوليد اجتماعى

استراتژى، عبارت است از اقداماتى آگاهانه، برنامه‌ريزى شده و زمان‌مند به منظور دستيابى به اهدافى معين. در پژوهش حاضر، استراتژى‌هاى تحرك صعودى و ارتقاء افراد - همچنين بازتوليد اجتماعى - در انواع پنجگانه استراتژى‌هاى آموزشى، اجتماعى، زيستى، اقتصادى و سياسى تعيين شده است و به كمك شاخص‌هاى برگرفته از نظرات بورديو و پيشينه مورد سنجش قرار گرفته است و سطح سنجش اين مقياس نيز اسمى است. در اين قسمت، نماى روشنى از متغيرهاى پژوهش، ابعاد، شاخص‌ها و سطح سنجش اين متغير را مى‌توان در جدول شماره ۳ ملاحظه كرد.

جدول شماره سه- ابعاد، شاخص‌ها و سطح سنجش استراتژی‌های تحرك و باز توليد اجتماعي

متغير	ابعاد	شاخص‌ها	سطح سنجش
استراتژی‌های ارتقاء و بازتوليد	آموزشی	سرمایه‌گذاری در یادگیری زبان‌های خارجی، کسب دانش و مهارت در رشته‌های خاص و مورد نیاز، تحصیل تا مقاطع بالای دانشگاهی.	اسمی
	اجتماعی	ارتباط با مدیران و مسئولان ادارات شهر، روحانیون بانفوذ، مقامات نظامی و امنیتی.	
	زیستی	تأخیر در ازدواج، فرزندآوری اندک، سرمایه‌گذاری روی تغذیه، ورزش، حفظ سلامتی و....	
	اقتصادی	انتقال دارایی، ملک و میراث به فرزندان، سرمایه‌گذاری اقتصادی و پس انداز و.... برای فرزندان	
	سیاسی	زمینه‌سازی برای نزدیک شدن به کانون‌های قدرت، ازدواج با فرزندان مسؤولین، تلاش برای استخدام در مشاغل امنیتی، سپاه، ورود به حوزه علمیه و ...	

یافته‌های پژوهش

الف. ویژگی‌های پاسخگویان

نمونه مورد مطالعه شامل ۷۸/۴٪ مردان و ۲۱/۶٪ زنان شاغل بوده است. میانگین سنی پاسخگویان تقریباً ۳۹ سال می‌باشد، اکثریت پاسخگویان اهل کاشان بودند و تنها ۱۷٪ مهاجر بوده‌اند. یک چهارم پاسخگویان (۲۵/۷٪) تحصیلات دیپلم و پیش دانشگاهی دارند، یک چهارم لیسانس (۲۴/۷٪) و بقیه زیر دیپلم هستند. کیفیت تحصیل دو سوم پاسخگویان (تقریباً ۷۰٪) در سطح متوسطه و با معدل‌های ۱۴ تا ۱۷ بوده است. سطح تحصیلات حداقل دوسوم والدین پاسخگویان زیر دیپلم بوده است اما اکثریت آنان توقع داشتند فرزندان‌شان تحصیلات دانشگاهی را تا سطوح لیسانس و بالاتر ادامه دهند. اغلب پاسخگویان متأهل و در محلات سطح متوسط یا

گران قیمت و خانه‌های بیش از ۷۵ متر ساکن‌اند. به لحاظ شغلی، تقریباً ۹۰٪ جامعه‌ی مورد بررسی از سن ۲۵ سالگی شروع به کار کرده‌اند و شغل اولیه‌ی اکثریت آنان (۸۷٪) مشاغل سطح متوسط بوده است و هم اکنون نیز نیمی از آنها (۵۲٪) همچنان در مشاغل سطح متوسط مشغول فعالیت هستند، همچنین، ۴۵٪ پاسخگویان از موقعیت شغلی خود رضایت دارند. بیش از نصف پدران پاسخگویان (۵۶/۴٪) دارای مشاغل سطح متوسط و کمتر از یک درصد پدران دارای شغل‌هایی با جایگاه بسیار بالا بوده‌اند. در نهایت، میانگین نمره‌ی عوامل انگیزشی در بین پاسخگویان در حد متوسط (۱۰/۷۵)، میانگین نمره‌ی عوامل فرهنگی کمتر از حد متوسط (۱۱/۹۵)، میانگین نمره‌ی عوامل اقتصادی کمی بالاتر از حد متوسط (۴/۳۲) و میانگین نمره‌ی عوامل خانوادگی نیز کمتر از حد متوسط (۱۱/۳) بوده است.

بر اساس یافته‌ها، ۳۹/۵٪ جامعه‌ی مورد مطالعه، تحرک درون نسلی داشتند و بقیه در طول زندگی شغلی خود تحولی را تجربه نکرده‌اند. در بین تحرک‌کنندگان، میزان تحرک نزولی (۲۵/۷٪) تقریباً دو برابر بیشتر از تحرک صعودی یا پیشرفت و ارتقاء (۱۳/۷٪) بوده است. عمده‌ترین استراتژی‌های مورد استفاده در افرادی که ارتقاء و پیشرفت داشته‌اند را استراتژی‌های اقتصادی (۳۸٪) و آموزشی (۳۰٪) تشکیل می‌دهد و ارتقاء یافتگان بیش از همه به کمک این دو استراتژی توانسته‌اند در طول زندگی موقعیت‌شان را بالا ببرند.

ب. تشریح جدول تحرک درون نسلی

با مقایسه‌ی جایگاه اولین شغل پاسخگو با شغل کنونی وی جدول شماره ۴ به عنوان یک جدول تحرک اجتماعی درون نسلی تنظیم شده است. بر اساس داده‌ها، اعداد مندرج در قطر جدول (دیاگونال) بیانگر عدم تحرک است، اعداد نیمه بالایی دیاگونال، بیانگر تحرک صعودی است و اعداد نیمه پایینی دیاگونال نیز تحرک نزولی پاسخگویان را در طول زندگی شغلی خود نشان می‌دهند.

جدول شماره چهار- توزیع فراوانی تحرک درون نسلی پاسخگویان (برحسب نفر)

شغل کنونی پاسخگویان	اولین شغل پاسخگویان							جمع
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۱. مشاغل سطح بسیار پایین	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۳

۲۵	۰	۲	۰	۶	۷	۸	۲	۲. مشاغل سطح پايين
۱۱۷	۰	۲	۱	۲ ۸	۷۸	۷	۱	۳. مشاغل سطح متوسط رو به پايين
۲۰۰	۰	۴	۱	۱۲۹	۶۵	۱	۰	۴. مشاغل سطح متوسط
۲۵	۰	۰	۱۳	۹	۳	۰	۰	۵. مشاغل سطح متوسط رو به بالا
۱۳	۰	۴	۲	۵	۲	۰	۰	۶. مشاغل سطح بالا
۲	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۷. مشاغل سطح بسيار بالا
۳۸۵ نفر	۰	۱۲	۱۷	۱۸۰	۱۵۵	۱۷	۴	جمع

با توجه به نتايج جدول ۴، تعداد ۲۲۳ نفر يا ۶۰/۵٪ از كل پاسخگويان كه در قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرك درون نسلي نداشته‌اند. اما تعداد ۵۳ نفر يا ۱۳/۷٪ پاسخگويان كه در نيمه بالاي قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرك صعودي درون نسلي داشتند و توانسته‌اند جايگاه و موقعيت اجتماعي خود را در طول زندگي ارتقاء دهند. همچنين، ۹۹ نفر يا ۲۵/۷٪ پاسخگويان كه در نيمه پاييني قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرك نزولي درون نسلي داشتند و جايگاه شغلي گذشته خود را از دست داده‌اند. به اين ترتيب، تقريباً ۶۱ درصد پاسخگويان، عدم تحرك و ۳۹ درصد تحرك درون نسلي - اعم از ارتقاء يا تنزل - داشته‌اند.

با شمارش افرادي كه در نيمه بالايي جدول و در اولين ردیف اُريب پس از قُطر يا دياگونال قرار دارند ($۷+۲۸+۱=۳۶$) مي‌توان دريافت از كل پاسخگوياني كه تحرك صعودي داشته‌اند ۶۷/۹٪ به ميزان يك درجه ارتقاء داشته‌اند. همچنين، با شمارش دومين، سومين و چهارمين ردیف اُريب نيمه بالايي قطر جدول، ميزان‌هاي متفاوت ارتقاء درون نسلي در بين پاسخگويان به دست مي‌آيد. متقابلاً، با شمارش افرادي كه در اولين ردیف اُريب نيمه پاييني قطر جدول ثبت شده‌اند ($۲+۷+۶۵+۹+۲=۸۵$) مشخص شد از مجموع پاسخگوياني كه تنزل داشته‌اند، ۸۵/۸٪ يك درجه تحرك نزولي يا کوتاه بُرد داشته‌اند. با شمارش دومين، سومين و پنجمين ردیف اُريب از نيمه پاييني قطر جدول نيز ميزان‌هاي متفاوت تحرك نزولي درون نسلي پاسخگويان معلوم شد. بر اين اساس، "مدرج تحرك درون نسلي" در جدول ۵ ارائه مي‌گردد:

جدول شمارهٔ پنج- مدرج تحرک درون نسلی پاسخگویان

درصد	فراوانی	ارتقاء یافتگان در طول زندگی شغلی خود
٪۶۷/۹	۳۶ نفر	یک درجه ارتقاء (تحرک صعودی کوتاه بُرد)
٪۲۰/۷	۱۱ نفر	دو درجه ارتقاء (تحرک صعودی میان بُرد)
٪۱۱/۳	۶ نفر	سه درجه ارتقاء و بیشتر (تحرک صعودی دوربُرد)
٪۱۰۰	۵۳ نفر	جمع کل
درصد	فراوانی	تنزل یافتگان در طول زندگی شغلی خود
٪۸۵/۸	۸۵ نفر	یک درجه تنزل (تحرک نزولی کوتاه بُرد)
٪۱۰	۱۰ نفر	دو درجه ارتقاء (تحرک نزولی میان بُرد)
٪۴/۲	۴ نفر	سه درجه ارتقاء و بیشتر (تحرک نزولی دوربُرد)
٪۱۰۰	۹۹ نفر	جمع کل

در ادامه، برای ارائهٔ تصویر دقیق‌تری از تحرک درون نسلی سعی شده با تنظیم جدول ۶ توزیع نسبی تحرک درون نسلی در هریک از موقعیت‌های شغلی هفت گانه تشریح گردد.

جدول شمارهٔ شش-توزیع نسبی تحرک درون نسلی پاسخگویان در طبقات شغلی (برحسب درصد)

شغل کنونی پاسخگویان	اولین شغل پاسخگویان							جمع
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۱. مشاغل سطح بسیار پایین	٪۳۳	٪۰	٪۰	٪۶۶/۷	٪۰	٪۰	٪۰	٪۱۰۰
۲. مشاغل سطح پایین	٪۸	٪۳۲	٪۲۸	٪۲۴	٪۰	٪۸	٪۰	٪۱۰۰

۳. مشاغل سطح متوسط رو به پايين	۹۰٪	۶٪	۷۶/۶٪	۲۳/۹٪	۰/۹٪	۱/۷٪	۰٪	۱۰۰٪
۴. مشاغل سطح متوسط	۰٪	۰/۵٪	۳۲/۵٪	۶۴/۵٪	۰/۵٪	۲٪	۰٪	۱۰۰٪
۵. مشاغل سطح متوسط رو به بالا	۰٪	۰٪	۱۲٪	۳۶٪	۵۲٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪
۶. مشاغل سطح بالا	۰٪	۰٪	۱۵/۴٪	۳۸/۵٪	۱۵/۴٪	۳۰/۸٪	۰٪	۱۰۰٪
۷. مشاغل سطح بسيار بالا	۰٪	۵۰٪	۰٪	۵۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪
جمع	۱٪	۴/۴٪	۴۰/۳٪	۴۶/۸٪	۴/۴٪	۳/۱٪	۰٪	۱۰۰٪

نتايج جدول ۶ نشان مي‌دهد ۳۳٪ از افرادي كه اولين شغل آنها مشاغلي در سطح بسيار پايين بوده است، همچنان در همان جايگاه خود باقي مانده‌اند و تحركي نداشته‌اند، اما بقيه افراد اين گروه (۶۷٪) تحرك صعودي دوربرد به ميزان سه درجه داشته‌اند، مثلا شغل اول برخي منشي‌گري بوده است (۱) اما در حال حاضر بوتيك دارند (۳)^۱.

تقريبا يك سوم (۳۲٪) افرادي كه اولين شغل آنها مشاغلي در سطح پايين بوده است، تحرك اجتماعي نداشتند اما ۵۲٪ بقيه افراد اين گروه ارتقاء يافتند و از اين ميان ۲۸٪ به ميزان يك درجه پيشرفت كرده‌اند. مثلا ابتدا دست فروش (۲) بودند، اما در حال حاضر خياط (۳) هستند، همچنين ۲۴٪ از اين گروه به ميزان دو درجه ارتقاء داشته‌اند. مثلا ابتدا آشپز (۲) بودند، اما در حال حاضر حسابدار (۴) شده‌اند. در اين گروه ۸٪ نيز چهار درجه تحرك صعودي داشته‌اند، مثلا قبلا قصاب (۲) بودند، اما الان توليد كننده گلليم و فرش (۷) شده‌اند.

تقريبا دوسوم (۶۶/۷٪) كساني كه زندگي شغلي خود را با مشاغل سطح متوسط رو به پايين مانند كارمندی، عطاري، سوپري و فروشندگي (۳) شروع كرده بودند، همچنان در همان جايگاه خود باقي ماندند و تحركي نداشته‌اند. اما ۲۶/۵٪ از افراد اين طبقه، تحرك صعودي و به طور عمده به ميزان يك درجه داشته‌اند، مثلا شغل اول فرد بنايي (۳) بود، اما در حال حاضر در كارخانه به عنوان كمك بافنده (۴) مشغول كار است و دستمزد و مزايای ثابت دارد. ۶/۹٪ بقيه افراد اين طبقه

^۱. شماره‌های داخل پرانتز كه پس از برخي مشاغل ذكر شده‌اند، بيانگر جايگاه و منزلت شغل مربوطه در طبقه-بندی هفتگانه موقعیت های شغلي در اين پژوهش است. عناوين شغلي نيز عينا از پرسشنامه‌ها استخراج شده است.

تحرك نزولی داشته‌اند. مثلاً فرد در ابتدا میوه فروش (۳) بوده است، اما در حال حاضر آشپز (۲) است، یا ابتدا لبنیاتی (۳) بوده است، اما فعلاً شاغل در بنگاه معاملات املاک (۲) است.

۶۴/۵٪ از کسانی که شغل اولیه‌ی آنها در سطح متوسط بوده است، مثل بافنده، انباردار، رستوران دار، جوشکار، مکانیک اتومبیل (۴) همچنان در همان جایگاه خود باقی ماندند و تنها ۲/۵٪ از این گروه تحرك صعودی داشته‌اند. اما یک سوم بقیه‌ی افراد این طبقه (۳۳٪) در گذر زمان تحرك نزولی داشته‌اند، مثلاً برخی ابتدا تراشکار (۴) بودند، اما در حال حاضر مغازه‌دار (۳) شده‌اند.

در بین افرادی که زندگی شغلی خود را از مشاغل سطح متوسط رو به بالا آغاز کرده بودند، ۵۲٪ تا زمان پژوهش در همان جایگاه خود باقی مانده‌اند، مانند شغل پرستار، داروساز، برنامه‌نویس کامپیوتر، تالاسازی، مدیر شرکت خصوصی (۵)، ولی بقیه‌ی افراد این گروه (۴۸٪) تحرك نزولی داشته‌اند، به گونه‌ای که ۳۶٪ از آنها یک درجه و ۱۲٪ نیز دو درجه تنزل پیدا کرده‌اند مثلاً در ابتدا کارمند فنی شرکت‌های کامپیوتری (۵) بوده است، اما شغل فعلی آنها کار در مغازه (۳) است.

در بین افرادی که ابتدا در مشاغل سطح بالا مانند مشاغل فرهنگی، دبیری، مدرس زبان و پزشک عمومی شاغل بوده‌اند، ۳۸/۸٪ تحركی نداشتند، اما بقیه‌ی افراد این گروه (۶۱/۲٪) تحرك نزولی داشته‌اند، به گونه‌ای که ۱۵/۴٪ از آنها یک درجه تنزل داشتند و ۳۸/۵٪ دو درجه تنزل داشتند (ابتدا مربی (۶) بوده است، اما در حال حاضر صندوق‌دار (۴) است) و در نهایت ۵/۴٪ از افراد این گروه، در طول زندگی شغلی خود سه درجه تنزل جایگاه پیدا کرده‌اند (مثلاً ابتدا شغل دبیری و تدریس (۶) داشتند، اما اکنون کارمند فروشگاه زنجیره‌ای یا کارمند دولت (۳) شده‌اند).

در نهایت، از بین پاسخگویانی که شغل اولیه‌ی آنها مشاغل سطح بسیار بالا بوده است، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند در جایگاه خود باقی بمانند، بلکه در طول زندگی شغلی، نیمی از آنها یک درجه و نیمی دیگر سه درجه تحرك نزولی داشتند و از جایگاه بسیار بالا به ترتیب به جایگاه‌های بالا و متوسط سقوط کرده‌اند.

در یک نگاه اجمالی، بیشترین ارتقاء یا تحرك صعودی درون نسلی به ترتیب در طبقات "بسیار پایین و پایین" و به ویژه در مشاغل چون منشی‌گری، دستفروشی، قصابی و آشپزی دیده

می‌شود. بیشترین عدم تحرک نیز به ترتیب در طبقات "متوسط و متوسط رو به پایین" به ویژه در مشاغلی چون کارمند، مغازه‌دار، عطار، رستوران‌دار، بافنده، جوشکار و مکانیک اتومبیل ملاحظه می‌شود. طبقات "بسیار بالا و بالا" نیز، به ویژه در مشاغلی چون مدرّس مهارت‌های تخصصی مانند زبان، هنر، نقاشی و... بیشترین تنزل جایگاه داشته‌اند. در نهایت، در طبقه "متوسط رو به بالا" عدم تحرک و تحرک نزولی تقریباً مساوی است، یعنی نیمی از افراد- به ویژه در مشاغلی چون داروساز، طلافروش، برنامه نویس کامپیوتر- عدم تحرک داشتند و نیم دیگر تنزل یافته‌اند.

د. یافته‌های تحلیلی و آزمون فرضیات

در این بخش، نقش متغیرهای زمینه‌ای و اصلی پژوهش در تحرک اجتماعی صعودی درون نسلی (ارتقاء درون نسلی) به کمک آزمون‌های کای اسکوتر^۱ و همبستگی اسپیرمن^۲ سنجش و نتایج به دست آمده در جدول شماره ۷ ارائه می‌گردد.

جدول شماره هفت- نتایج آزمون رابطه میان متغیرهای پژوهش با ارتقاء درون نسلی

متغیرها	ضرایب آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
متغیرهای زمینه‌ای			
جنس - ارتقاء درون نسلی	خی دو = ۰/۲۸۱	۰/۲۲۱	رد فرضیه و عدم ارتباط
محل تولد - ارتقاء درون نسلی	خی دو = ۰/۳۵۲	۰/۳۸۲	رد فرضیه و عدم ارتباط
وضع تأهل - ارتقاء درون نسلی	خی دو = ۰/۶۷۵	۰/۵۷۴	رد فرضیه و عدم ارتباط
سن - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۱۴۰	۰/۸۹۴	رد فرضیه و عدم ارتباط
عوامل انگیزشی - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۲۶۲	۰/۰۰۸	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
عقیده به سرنوشت مقدر - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی	۰/۱۳۶	رد فرضیه و عدم ارتباط

^۱ . Chi-Square Test

^۲ . Spearman Correlation Test

		اسپیرمن = ۰/۱۵۰ -	
عقیده به شانس و اقبال - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۲۳۲ -	۰/۲۰	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
عقیده به کار و تلاش - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۰۶۹ -	۰/۴۹۳	رد فرضیه و عدم ارتباط
رضایت از موقعیت فعلی - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۱۲۴ -	۰/۲۱۷	رد فرضیه و عدم ارتباط
عوامل فرهنگی - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۳۲۶	۰/۰۰۳	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
تحصیلات پاسخگو - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۲۷۴	۰/۰۰۶	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
کیفیت تحصیل - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۰۰۲	۰/۹۸۱	رد فرضیه و عدم ارتباط
عادات فرهنگی - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۰۳۴	۰/۶۹۲	رد فرضیه و عدم ارتباط
آموزش تخصصی مهارتی - ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن = ۰/۱۱۳	۰/۳۶۴	رد فرضیه و عدم ارتباط

با تأمل در نتایج جدول شمار، ۷ به خصوص، بزرگتر از ۰/۰۵ بودن سطح معناداری در تمامی آزمون‌های آماری انجام شده میان "متغیرهای زمینه‌ای" از قبیل جنس، سن، وضع تأهل و محل تولد یا خاستگاه جغرافیایی پاسخگویان با متغیر "تحرك و ارتقاء درون نسلی" می‌توان دریافت، فرضیات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای، رابطه معناداری را با پیشرفت و ارتقاء درون نسلی پاسخگویان نشان نمی‌دهند. اما در میان مؤلفه‌های "عوامل انگیزشی"، تنها متغیری که فرضیه آن تأیید شده است، متغیر "اعتقاد به شانس و اقبال" بوده است و با توجه به علامت منفی ضریب آزمون، می‌توان گفت هرچه افراد برای رسیدن به موفقیت، کمتر به شانس و اقبال اعتقاد داشته باشند، میزان ارتقاء و پیشرفت درون نسلی آنان بیشتر خواهد بود.

همچنين، يافته‌هاي جدول ۷ نشان مي‌دهد بين "عوامل فرهنگي" و ارتقاء درون نسلي، رابطه وجود دارد و فرضيه مربوطه تايد مي‌شود. البته از بين مؤلفه‌هاي عوامل فرهنگي، تنها متغيري كه فرضيه مربوط به آن تايد شده است، تحصيلات پاسخگو است. بقيه مؤلفه‌ها يعني كيفيت تحصيل، عادات فرهنگي از قبيل (مطالعه، نظم، نواختن موسيقي، نقاشي و طراحي، رفتن به نمايشگاه و تئاتر) و آموزش مهارت‌هاي تخصصي از قبيل (دوره‌هاي كار با ويندوز، مهارت‌هاي شغلي و فني، دوره‌هاي زبان و...) هر كدام به تنهائي رابطه معناداري با ارتقاء درون نسلي ندارند، اما در تلفيق با يكدیگر تحت عنوان عوامل فرهنگي، در ارتقاء درون نسلي افراد نقش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ابعاد گوناگوني از تحرك درون نسلي را در يك جامعه در حال گذار همچون كاشان بررسي کرده است و در صدد كشف پاسخ برخي سؤالات در اين زمينه بوده است. در زمينه سؤال نخست، يعني ميزان تحرك اجتماعي درون نسلي در اين شهر، نتايج نشان داد از هر ۱۰ نفر، ۴ نفر در طول زندگي موقعيت شغلي‌شان تغيير کرده است، اما ۶ نفر در همان موقعيت سابق خود باقي مانده‌اند. پيشرفت درون نسلي به طور عمده در مشاغلي چون منشي‌گري، دستفروشي، قصابي و آشپزي كه به طور عمده، وابسته به طبقات شغلي پايين و بسيار پايين هستند، رخ داده است. در مورد اين سؤال كه شهروندان غالبا از كدام "استراتژي‌ها" براي ارتقاء درون نسلي استفاده مي‌كنند، يافته‌ها نشان داد، شهروندان براي ارتقاء درون نسلي به طور عمده، از استراتژي‌هاي اقتصادي و آموزشي بهره گرفته‌اند.

هدف ديگر پژوهش، شناسايي برخي عوامل ارتقاء درون نسلي بوده است. در شناسايي اين هدف كه اساسا ناظر بر فرضيه‌هاي تحقيق است، نتايج ازمون‌ها نشان داد براي پيشرفت و ارتقاء درون نسلي يك عامل انگيزشي (عدم اعتقاد به شانس و اقبال براي موفق شدن) و يك عامل فرهنگي (سطح تحصيلات) نقش مؤثري دارند و فرضيات آنها مورد تايد واقع شده است.

در اين پژوهش، نتايج غير منتظره‌اي نيز به دست آمد. نخست اينكه، شهر كاشان يكي از پايگاه‌هاي نيرومند حكومت و تغذيه كننده بدنه اجتماعي، مذهبي و سياسي جريانات موافق با نظام سياسي كشور را تشكيل مي‌دهد، اما با اين وجود، گويا مردم عادي در زندگي روزمره خود كمتر از استراتژي سياسي و پيوند با كانون‌هاي قدرت، مديران شهري و صاحبان نفوذ براي تحرك و ارتقاء موقعيت خود استفاده کرده‌اند. به نظر مي‌رسد بدنه جامعه، فاصله خود را از اين نوع ارتباطات حفظ نموده‌اند و بيشتر بر ظرفيت‌هاي خود براي پيشرفت متكي است. دوم اينكه، بي اثر

بودن نقش جنسیت و مهاجرت در تحرک و ارتقاء اجتماعی برخلاف نظرات گیدنز، بم و بسیاری از مطالعات پیشین است. در این پژوهش، جنسیت، رابطه‌ی معناداری با ارتقاء درون نسلی نشان نداد و همین نتیجه‌ی غیرمنتظره در مورد محل تولد یا خاستگاه جغرافیایی نیز به دست آمد و نشان داد برخلاف تأکید نتایج مطالعات گذشته مبنی بر فزونی میزان ارتقاء و تحرک مهاجران نسبت به بومی‌ها، در اینجا کاشانی‌ها و مهاجران میزان تحرک متفاوتی را تجربه نکرده‌اند.

در زمینه‌ی تحرک ساختاری نیز نتایج قابل تاملی در این پژوهش به دست آمد که به طور عمده به منزلت و جایگاه مسئولان، قانونگذاران و مدیران عالی رتبه، به ویژه رجال سیاسی و مذهبی مربوط شده است و نشان می‌دهد منزلت این جایگاه‌ها به صورت ساختاری تغییر کرده است؛ به عبارتی شرایط و اوضاع احوال سیاسی به گونه‌ای شده است که جایگاه‌های ذکر شده در نگاه مردم، منزلت و موقعیت گذشته خود را از دست داده‌اند ولی - براساس نتایج- مشاغل فرهنگی و آموزشی نسبت به گذشته، جایگاه بهتری در جامعه و انظار عمومی پیدا کرده‌اند.

از سوی دیگر، مشخص شد عوامل انگیزشی به ویژه عدم اعتقاد به شانس و متقابلاً تلاش و کوشش برای موفقیت، باعث انگیزه‌مند شدن افراد برای تحرک می‌شود و این نتیجه با نظریات مک کله لند و پارسونز همسو است. همچنین، پژوهش حاضر نشان داد عوامل فرهنگی نیز در تحرک و ارتقاء درون نسلی نقش ایفا می‌کنند و این نتیجه، مؤید تحقیقات جامعه‌شناسان توسعه به ویژه توسعه‌ی انسانی است که بی سواد یا کم سواد را بخشی از فرهنگ فقر که مانع تحرک اجتماعی می‌شود تلقی کرده‌اند و معتقدند با افزایش سطح تحصیلات، میزان تحرک اجتماعی افزایش می‌یابد.

در نهایت اینکه، اثر گذاری عوامل فرهنگی در این پژوهش مؤید نظریات بوردیو پیرامون نقش عادت‌واره و تحصیلات در فراهم سازی زمینه‌های تحرک و ارتقاء اجتماعی است. در کنار نظرات صاحب‌نظران، مطالعات گذشته نیز بر این موضوع تأکید داشته‌اند. تحقیق زارع و لطفی (۱۳۹۱) نشان داد مدرک تحصیلی افراد و گسترش مراکز آموزش عالی در کشور بر نوع مشاغل و به تبع آن بر نوع تحرک اجتماعی تأثیر دارد. در پژوهش غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) نیز به نقش سطح آموزشی بالا، مدارک تحصیلی و کسب مهارت‌های آموزشی که باعث ارتقاء منزلت اجتماعی و تحرک صعودی منجر می‌شود، اشاره می‌کند. در واقع، تأکید بر نقش عوامل فرهنگی در تحرک اجتماعی فصل مشترک این پژوهش و بسیاری از پژوهش‌های قبلی است.

منابع

۱. آرون، ريمون (۱۳۸۱) *مراحل اساسي اندیشه در جامعه‌شناسي*، ترجمه منصور وثوقي، تهران: علمي.
۲. اميني‌خو، مصطفي (۱۳۹۶) «*وضعيت تحرك اجتماعي مهاجرين روستا-شهری و ارتباط آن با نوع مهاجرت و برخي عوامل اجتماعي و جمعيت‌شناختي در شهرهای ياسوج و مادوان*»، پايان‌نامه کارشناسي ارشد، دانشکده علوم انساني، گروه علوم اجتماعي، دانشگاه ياسوج.
۳. اشرف، احمد و علي بنوعزيزي (۱۳۸۷) *طبقات اجتماعي، دولت و انقلاب در ايران*، ترجمه سهيلا ترابي فارساني، تهران: نيلوفر.
۴. پناهي، محمد حسين (۱۳۸۳) «*شکاف نسلي موجود در ايران و اثر تحصيلات بر آن*»، *علوم اجتماعي*، دوره ۱۱، شماره ۲۷: ۴۱-۱.
۵. توکل، محمد و مريم قاضي نژاد (۱۳۸۵) «*شکاف نسلي در رويکردهای کلان جامعه-شناختي: بررسي و نقد رهيافت تاريخي و تضاد با تاکيد بر نظرات مانهايم و بورديو*»، *علوم اجتماعي*، دوره ۲۷، شماره ۲۷: ۱۲۴-۹۵.
۶. جبلي بخت آرا، وحيد (۱۳۸۷) «*تحرك اجتماعي داوطلبان مشارکت در جنگ تحميلي عراق عليه ايران: مطالعه‌ای در مورد جانبازان بسيجي ساکن شهر تهران بزرگ*»، پايان‌نامه کارشناسي ارشد، دانشکده علوم اجتماعي، دانشگاه علامه طباطبائي.
۷. خادمي، حسن و تقی آزاد ارمکی (۱۳۸۲) «*ترجيحات ارزشي دانش آموزان تهراني*»، *نامه پژوهش فرهنگي*، ۸ (۸): ۲۸-۳.
۸. خدابينده لو، سعید (۱۳۷۲) «*تحرك اجتماعي (بين نسلي): مطالعه موردی شهر کرمانشاه*»، پايان‌نامه کارشناسي ارشد، دانشکده علوم انساني، دانشگاه تربيت مدرس.
۹. ريزمن، لئونارد و ماريانواف انگويتا (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسي قشرها و نابرابري‌های اجتماعي*، ترجمه محمدقلي پور، مشهد: مرنديز و آواي کلک.
۱۰. زارع، بيژن و مهوش لطفی (۱۳۹۲) «*بررسي عوامل اجتماعي مؤثر بر تحرك اجتماعي بين نسلي در شهر کرمانشاه*»، *مسائل اجتماعي ايران*، ۴ (۱): ۱۳۹-۱۱۳.

۱۱. سفیری، خدیجه و اله ایمانی (۱۳۸۵) «تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت‌ها»، پژوهش زنان، ۴(۱و۲): ۱۵۸-۱۴۱.
۱۲. شمس‌الدینی، زهرا (۱۳۹۵) «بررسی میزان تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه‌ی موردی شهروندان ۶۵-۱۸ شهر کرمان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۳. شهرداری اصفهان (۱۳۹۶) آمار تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵.
۱۴. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲) «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران: مفهوم‌سازی شکاف نسلی»، در کتاب نگاهی به گسست نسل‌ها، تهیه و تنظیم از علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی: ۲۶۶-۲۵۱.
۱۵. غفاری، زهرا و منصور حقیقتیان (۱۳۹۵) «بررسی و تبیین تحرك اجتماعى میان نسلى با تأکید بر سرمایه فرهنگی عینیت یافته‌ی بورديو (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ۵۴ ساله شهر گرگان)»، علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱۳ (۱): ۲۱۶-۱۹۷.
۱۶. غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها، تهران: لویه و متفکران.
۱۷. کاظمیان، مهدیه (۱۴۰۳) «بررسی ابعاد تحرك و بازتولید اجتماعى در شهر کاشان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعى، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعى، دانشگاه کاشان.
۱۸. کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعى- اقتصادى افراد و سنجش تحرك اجتماعى با تکیه بر مطالعه‌ی موردی در شهر تهران»، نامه‌ی علوم اجتماعى، شماره‌ی ۱۴: ۱۷۲-۱۳۹.
۱۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نی.
۲۱. مارکس، کارل (۱۳۵۷) کاپیتال، ترجمه‌ی اسکندری، تهران: حزب توده.
۲۲. مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴) «منزلت مشاغل در جامعه‌ی شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز»، علوم اجتماعى دانشگاه شیراز، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۲: ۹۴-۶۵.
۲۳. نایی، هوشنگ و رضا معصومی راد (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعى مؤثر بر تحرك اجتماعى (شغلی) اعضای هیأت علمى دانشگاه آزاد اسلامى»، راهبرد اجتماعى و فرهنگى، ۲(۷): ۱۲۳-۱۰۳.

۲۴. نايبي، هوشنگ و رضا معصومي راد (۱۳۹۰) «عوامل فرهنگي مؤثر بر تحرك اجتماعي مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختي*، ۱۸ (۳۹): ۱-۳۴.
۲۵. منقبتی، مصطفی (۱۳۸۷) *تحرك اجتماعي - حيطه‌هاي شناختي و افعال مرتبط با آن*، بودجه كتاب جامعه‌شناسي پيش دانشگاهي. برگرفته از سايت گروه علوم اجتماعي اداره آموزش پرورش اليگودرز در تاريخ ۱۴۰۲/۸/۱۵ : aliejte.blogfa.com